

عنوان مقاله:

تجربه دینی مولوی در مثنوی بر اساس الگوی گلاک و استارک

محل انتشار:

مجله عرفانیات در ادب فارسی، دوره 9، شماره 35 (سال: 1397)

تعداد صفحات اصل مقاله: 21

نویسندگان:

نرجس کوچکی - PHD Students in Persian language and literature, Islamic Azad university of Boushehr, Boushehr, Iran

سیداحمد حسینی کارزونی - Professor in Persian language and literature, Islamic Azad university of Boushehr, Boushehr, Iran

مریم پرهیزگاری - Assistant Professor in Persian language and literature, Islamic Azad university of Boushehr, Boushehr, Iran

خلاصه مقاله:

چالش های دین در دنیای معاصر، جامعه شناسان دینی را بر آن داشت تا الگوها و راهکارهای عملیاتی کردن گسترده و متنوع آن را تبیین نمایند از این رو، برای دین ابعاد متعددی قائل شده، آن را به عنوان پدیده ای چند بعدی معرفی کردند. نظریه گلاک و استارک از جمله مهم ترین نظریه های مطرح در حوزه مذکور است در این نظریه برای دین پنج بعد ذکر شده: ۱- اعتقادی ۲- مناسکی ۳- تجربی ۴- فکری ۵- پیامدی بعد تجربی دین شیوه ای برای احساس حضور خداوند در درون می باشد گلاک و استارک برای تجربه دینی چهار شاخص برشمردند: ۱- شناخت ۲- توجه ۳- ایمان ۴- ترس مولوی در مثنوی از سه نوع شناخت حسی، عقلی و شهودی سخن می گوید. نقش توجه و دعا را در شکل گیری و تکامل شخصیت فردی و اجتماعی آحاد جامعه بسیار تعیین کننده می داند. ایمان در مثنوی به عنوان باور قلبی و عملی، عزت، امنیت و اصلاح نایه سامانی های اخلاقی- اجتماعی را به ارمغان می آورد؛ اما درباره ترس، مولوی دیدگاه های متفاوتی دارد؛ در مراحل و موقعیت هایی آن را می پذیرد و در جایگاه هایی، ترس را حجاب بین خلق و خالق دانسته، امید را جایگزین آن می گرداند، لیکن در گام های بعدی، از امید هم فراتر رفته، در مسیر خواست و پسند حق به پیش می رود. این پژوهش توصیفی - تحلیلی از نوع کیفی و کتابخانه ای است. بنابراین پس از جمع آوری داده های لازم، به تجزیه و تحلیل آن ها پرداخته می شود.

کلمات کلیدی:

Keywords: Masnavi, religion, Glock, Stark, faith, واژگان کلیدی: مثنوی معنوی، دین، گلاک، استارک، ایمان

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1724737>

